

### متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم استاد عزیزتر از جانم سلام عليكم: امیدوارم زیارتتان قبول و سایه تان مستدام باشد. حقیر یک سالی است که عزم بر یافتن خدای حقیقی خویش نموده ام و در این مدت بحول و قوه الهی سیری بر من گذشته که باعث تغییرات شگرفی در حال و هوا و شخصیت و خلق خویم گردیده است، و الحمدلله از این موضوع خوشحالم. دو سوال ذهن و فکر مرا به خود مشغول داشته است: ۱. این احساس رضایت و اقناع از سیر طی شده همان عجب یا زمینه ساز آن نیست؟ و چطور باید با آن برخورد کرد؟ ۲. سفر پیاده روی اربعین امسال با حال و هوای خیلی متفاوتی روبرو شدم، یعنی تماما حضور بودم بحمدلله، منتهای مراتب نمی دانستم خطورات درونی طی این سفر کدام شیطانی بود و کدام ملکوتی؟ همیشه اوقات خود را در حرم امام حسین علیه السلام می دیدم اما نمی دانم چرا نمی توانستم یک تعریف درست از خودم و حال و هوایم برای خودم بکنم و خود را با این حضور باز تعریف نمایم؟ بعضی وقتها با خودم تنها که می شوم خوف تمام وجودم را می گیرد که نکند آن چیزی که باید باشم نبوده ام؟ و این باعث نگرانی و اضطراب زایدالوصفی برایم گردیده است. با عرض معذرت بابت اطاله کلام. الله یارتان باشد. یا علی مدد

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام عليكم: ۱- این شکر الهی است و باید متوجه بود از لطف خدا است به ما نه آن که در این موارد به خود بنگریم چرا که گفت: «هر عنایت که داری ای درویش / هدیه‌ی حق بدان نه کرده‌ی خویش» ۲- همین طور است که انسان در زیارت اولیاء الهی به احساسی ماوراء مفاهیم و تعاریف دست می‌یابد و از این جهت باید شکر خدا کرد که ما را به میهمانی درک قلبی می‌برد. در همین رابطه در کتاب «اربعین حسینی...» بحث کشف ارتباط با امام پیش آمد. موفق باشید